

کامیابی ماسترپلان انگلیس ها و رسیدن نادرخان به قدرت (از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

اگر به پلان های پیاده شده انگلیس ها در افغانستان، هندوستان و کشورهای عربی بنگریم، دیده میشود که هدف فعالیت های شان بر توطئه و دسیسه، سبوتاژ، نفوذ در محافل حاکمه، نصب امیران و پادشاهان دست نشانده و تبدیل جغرافیای طبیعی کشورها متمرکز بوده است. آنها با مهارت و هوشیاری خاص در بین دربار، منتفدین قومی و حلقات روحانی کشورها راه یافته... و از طریق آنها به اغتشاشات دامن میزدند، تبلیغات منفی میکردند، و در بین محافل سلطنتی، گروه های سیاسی و مردم عام سبب ایجاد ناباوری و اختلافات میشدند. (محمد ولی (۱۳۸۷)، توطئه انگلیس در سقوط دولت اعلیحضرت امان الله خان).

موقف انگلیس ها راجع به غازی امان الله خان، با در نظر داشت دشمنی و نفرت دیرینه هر دو جانب بسیار روشن بود. اسناد آرشیف انگلستان نشان میدهند که انگلیس ها تا وقتی که غازی امان الله خان وطن را ترک نگفت با حمله بر حبیب الله کلکانی در کابل بخاطری مخالفت میکردند که این کار باعث تقویت بیشتر نیروهای غازی امان الله خان میشد. (تلگرام شماره ۱۱۴۴ مؤرخ ۲۰ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1301).

انگلیس ها در کابل از حبیب الله کلکانی تا آوردن زمامدار مورد نظر شان برای یک دوره انتقالی استفاده میکردند و برای اینکه حبیب الله کلکانی درین دوران در اعمال و حرکات خود از حد و چوکات تعیین شده خارج نشود، یک عده از اشخاص باتجربه و کاردان را در اطرافش قرار دادند. هم کمشنر عمومی انگلیس ها در پشاور و هم سفیر انگلیس در کابل معتقد بودند که سلطه او بر کابل دیری دوام نخواهد کرد، و او نمیتواند مقام پادشاهی تمام افغانستان را کسب کند. (همانجا، تلگرام شماره ۷۹ مؤرخ ۲۳ جنوری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی).

طوری که در اسناد قبلی دیده شد، با وجودیکه محمد نادرخان یکی از کاندیدان مورد نظر انگلیس ها بوده و برای چنین روزی در نظر گرفته شده بود، آنها نمیتوانستند بنا بر دلایل مختلف از وی حمایت علنی کنند، مانند نفرت مردم از انگلیس ها و دست نشانگان شان، استفاده تبلیغاتی کاندیدان دیگر تاج و تخت و اینکه این حمایت مستقیم بحیث واضح ترین مداخله انگلیس ها در امور داخلی افغانستان سبب عکس العمل شدید در هند، روسیه و کشورهای رقیب دیگر نیز میگردد. (تلگرام شماره ۱۵ مؤرخ ۵ جنوری کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203).

ام بن بست دوامدار و وضعیت پیش آمده ناشی از درخواست کناره گیری و خروج ابرومندانۀ نادرخان از صحنه، انگلیس ها را مجبور ساخت تا بحیث آخرین تلاش برای تغییر وضعیت، تصمیم بگیرند تا با ترک پالیسی قبلی به هزاران جنگجوی اقوام سرحد آزاد اجازه دهند تا با اسلحه شان از خط دیورند گذشته و در علیخیل جاجی به نادرخان بپیوندند.

به گفته نویسنده کتاب آتش در افغانستان، با وجود تاکتیک های به تاخیر انداختن انگلیس ها [حتی قبل از آن تصمیم نهایی انگلیس ها] هم پنج هزار جنگجوی وزیری در علیخیل، مرکز نادرخان در جاجی، به وی پیوسته بودند. (ستیاورت، آتش در افغانستان، ص ۵۷۲).

با تغییر پالیسی انگلیس ها اشد ترین ضرورت نادرخان به جنگجویان رفع شد. عوامل دیگری که در تغییر شرایط به نفع نادرخان نقش مهم داشت عبارت بودند از:

- مخالفت علنی حضرت نورالمشایخ با حبیب الله کلکانی و ملاقات ها و حمایت قطعی اش از نادر خان.
- اوضاع بحرانی کشور که به گفته کارگون، عناصر متشکله آنرا ضعف رژیم بچه سقاو، سیاست ترور و فشار، هرج و مرج سراسری، غارت گروهی که جز سیاست دولت گذشته بود، تباهی اقتصادی، تشدید فقدان مرکزیت اداری، تشکیل میداد. (داکتر ویکتور گریکوویچ کارگون (۱۳۶۵) ترجمه پوهاند داکتر جلال الدین صدیقی، ص ۱۵۸).
- و در پهلوی کمک های دیگر انگلیس ها، کمک های استخباراتی انگلیس ها و ارسال معلومات استخباراتی از مرکز کابل به نادرخان.

ارسال معلومات استخباراتی با شفر ذریعه دستگاه مخفی بیسیم

اسرار کمک های استخباراتی انگلیس ها و ارسال معلومات استخباراتی با شفر ذریعۀ دستگاه مخفی بیسیم از مرکز کابل به نادرخان در آن زمان توسط نشر یک مقاله «دیلی میل Daily Mail» یا «پوست روزانه» راجع به اوضاع افغانستان افشا شد. این روزنامه در مقاله به قلم سیسل رایس (Cecil Rice) بتاريخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۲۹ نوشت که نادر خان از حرکات حبیب الله (کلکانی) توسط سه نفر از پشتون های شجاع اطلاع حاصل میکند. سفارت انگلستان در کابل توسط هندی ها، عمدتاً آن پشتون هائی محافظت میشود که [بعد از خروج انگلیس ها] در آنجا مانده تا از منافع استخدام کننده شان حفاظت کنند. این سه نفر با شفر ذریعۀ دستگاه مخفی بیسیم اطلاعات را به شخصی [بنام ایم ای حکیم-زمانی] در پشاور میرسانند که به نفع نادر خان فعالیت میکند.

مقامات انگلیسی از نشر اسرار شان درین روزنامه به هراس افتادند. وزیر دولت برای امور خارجه هند در عکس العملی بتاريخ ۶ نومبر ۱۹۲۹ ذریعۀ تلگرام از لندن میبرد که «اصل این ترتیبات با «رحمت» [شخصی که بعد از خروج دیپلماتهای انگلیسی از کابل امور سفارت را سرپرستی میکرد-زمانی] توسط همفریز سفیر انگلستان در کابل گرفته شده بود، اما از ورای مضامین «رایس» احساس میشود که وی به به بعضی از معلومات رسمی دسترسی دارد. اگر امکان داشته باشد، راجع به منبع معلومات «رایس» باید تحقیق صورت گیرد، چون «دیلی میل» شاید مضامین دیگر وی را هم بنشر بپردازد. (تلگرام شماره ۳۴۳۷ مؤرخ ۶ نومبر ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور خارجه، لندن).

گرچه مقامات انگلیسی تا حدی موفق شدند از انتشار چنین مضامین در مطبوعات انگلستان جلوگیری کنند، اما نتوانستند جلو آنها در نشرات هند بریتانوی و کشور های غربی بگیرند، مثلاً جریده زمیندار بر علاوه مضامین دیگر و چشمیدهای مدیر مسؤل جریده، بتاريخ ۸ دسمبر دو مضمون راجع به ارتباطات نادرخان با انگلیس ها و وعده خلافی ها و سوگند شکنی هایش نوشت. (اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۴۹ مؤرخ ۲۳ دسمبر ۱۹۲۹ پشاور L/P&S/10/13010).

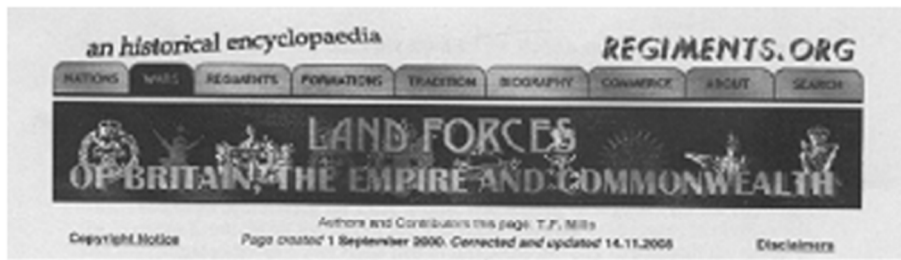
لیون پولادا به برویت اسناد آرشیف انگلستان مینویسد: «انگلیس آرزو نداشت که نادر خان میدان را ترک کند. لذا به نماینده سیاسی قبایل خویش هدایت داد که مانع ورود افراد و یا لشکر قبایل به افغانستان نگردد... خیر اجازه غیر مستقیم حکومت هند به سرعت تام بین قبایل پخش و لشکر قومی وزیر و مسعود به کمک نادرخان داخل افغانستان گردیدند. این کمک به نادرخان موقع داد که در اواخر سپتمبر بر کابل حمله و به ۱۲ اکتوبر کابل را فتح کند. (پاولادا، لیون، اصلاحات و انقلابات 1929، مترجم، باقی یوسفزی، چاپ پشاور، سال 1989، ص ۱۹۹).

لشکر وزیرری شامل ۸۰۰ نفر از سیف علی ها، پیپ علی ها، شوال و برمل و ۲۰۰ نفر دَوَر، و حدود هزار نفر وزیرری های مده خیل بود که برای پیوستن به نادرخان که در آریوب بود، از راه خوست روانه شد. این لشکر اگرچه در نزدیکی متون با مخالفت های اهالی خوست مواجه شد، اما با وجود آن توانست خود را به علی خیل مرکز قوماندانی نادرخان برساند. بتاريخ دوم اکتوبر هم یک لشکر دوم وزیرری شامل ۴۰۰ نفر توری خیل و مامت خیل بقصد آریوب به متون، مرکز خوست، رسیده و روز بعد دره لوگر گردید.

قبل از آن بتاريخ ۲۶ سپتمبر هم یک قوه ۶۸۰۰ نفری غلجی های احمدزی، جاجی، دَوَر، چمکنی، منگل و خُدران که در آن ۲۰۰۰ نفر وزیرری هم شامل بودند، در دوبندی جمع شده و تحت قومانده شاه ولی خان بطرف لوگر پیشروی کرد و موقع یافت که برکابل حمله و به ۱۲ اکتوبر ۱۹۲۹ کابل را فتح کند.

کمشتر پشاور به استناد راپور پولیتیکل ایجنت وزیرستان شمالی در مکتوب محرمانه خود، در رابطه با رفتن لشکر قبایل به افغانستان نوشت که تبلیغات جنرال نادرخان در ایجنسی ما بسیار شدید است. او به نام یک تعداد زیادی از ملک ها مکاتیب شخصی ارسال نموده و در آن از مهربانی های گذشته به آنها یادآوری نموده و آنها را تشویق و ترغیب نموده است تا درین جنگ برای اسلام [؟] نقش خود را بازی کنند. او در عین زمان وعده پاداش های گزاف، مقرری های پرمفعت و مددمعاش زیاد را نموده است. (اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب شماره ۲۷۸۸ کمشتر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی . L/P&S/10/1301).

یک انکشاف مهم درین رابطه هم راپور پولیتیکل ایجنت وزیرستان است که برای توجیه حقانیت نادرخان در انتظار مردم از انتشار کاپی های یک نامه نقلی غازی امان الله خان در کابل اطلاع میدهد. درین نامه از طرف غازی امان الله خان نوشته شده بود که آرزوی برگشت را نداشته و نادر خان باید حکومت کند. اگر بعد از آن ملت افغان خواهان برگشت او (امان الله خان) باشد، وی در نوروز سال آینده برخواهد گشت، بشرطی که نمایندگان تمام اقوام نزد او به عنر خواهی بزرگ یا «ننوتی» بیایند. (اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب شماره ۴۴۰، مؤرخ ۲۷ نومبر ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنت وزیرستان . L/P&S/10/1301).



state along the North West Frontier provoked tension with newly independent Pakistan, but was peacefully resolved. Amanullah proclaimed himself Shah in 1927, but his westernisation programme provoked the Muslim imams and he was forced to flee in 1929. After a chaotic interlude, the British installed Gen. Nadir Khan as the new king, but he too alienated the clergy and he was assassinated in 1933. British

این سند رسمی قوای زمینی امپراتوری بریتانیا و کشور های مشترک المنافع میگوید که بعد از اغتشاش، انگلیس ها جنرال نادرخان را بحیث شاه جدید نصب نمودند. در سند آمده است که:

«امان الله در سال ۱۹۲۷ خودش را شاه اعلان کرد ، اما برنامه های پذیرفتن تمدن غربی اش ملا های مسلمان را برانگیخت و مجبور ساخت در سال ۱۹۲۹ فرار کند. بعد از یک دوره هرج و مرج ،

انگلیس ها جنرال نادر خان را به حیث پادشاه جدید نصب کردند، اما او نیز از روحانیون دوری اختیار کرد و در سال ۱۹۳۳ به قتل رسید.»

به گفته پوهاند سید سعدالدین هاشمی «در نهایت امر از بین طلبان قدرت و بازیگران در صحنه (شاه امان الله در قندهار، امیر حبیب الله کلکانی در کابل، والی علی احمد خان در جلال آباد و سپه سالار محمد نادر در پشاور و پکتیا) بازیگر تازه وارد از مجاری مختلف با شیوه ها و برنامه های که برویت اسناد [آرشیف انگلستان] ازان به تفصیل صحبت شد [ه]، بارزوی دیرینه خود رسیدند. البته محمد نادر از کمک های پولی، سلاح و پشتیبانی سیاسی ستراتیژیکی و اقتصادی در منطقه داشتند برخوردار بود. محمد نادر بدون توجه به فرهنگ سیاسی و دیپلوماسی و دیالوگ و مصالحه بخاطر حصول قدرت در مسیر دیگری قرار گرفت. او با اعتقاد به خشونت و ریختاندن خون مردم عاشقانه باشمشیر به جنگ و کاربرد نظامی این آخرین افزار متوسل شد و مجدداً کشتار برادرانش را در افغانستان آغاز کرد. او بعد از پیروزی که دور از انتظار هم نبود، حبیب الله کلکانی را با قید سوگند و تعهد در حاشیه قرآن به تسلیم و امداد ساخت ولی چند روز بعد با نقض تعهدات او را با همراهانش اعدام نمود. ... بدینسان یک گروه کوچک (یک خانواده) این تشنگان قدرت در وا بستگی با یک کشور خارجی همراه با همدستان و هم پیمانان شان ملت را در گروگان گرفته و با سرنوشت شان بازی کردند. (پروفیسور سید سعدالدین هاشمی، چهره استبداد کبیر. آریانای برونمرزی سال نهم (۱۳۸۶)).

منابع

- محمد ولي (۱۳۸۷)، توطئه انگلیس در سقوط دولت اعلیحضرت امان الله خان .
- عبدالرحمن زمانی (۲۰۱۳)، بازنگری دوره امانی و تقطئه های انگلیس.
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۱۴۴ مؤرخ ۲۰ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1301.
- اسناد آرشیف انگلستان ، تلگرام شماره ۷۹ مؤرخ ۲۳ جنوری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۸۱۱ مؤرخ ۱۹ سپتمبر ۱۹۲۹ به وزیر امور خارجه برای هند، لندن.
- (اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۵ مؤرخ ۵ جنوری کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، (L/P&S/10/1203).
- ریه تالی سنیوارت، آتش در افغانستان (۱۹۲۹) .
- داکتر ویکتور گریکوویچ کارگون (۱۳۶۵) افغانستان در سالهای بیست و سی قرن بیستم میلادی (ترجمه پوهاند داکتر جلال الدین صدیقی).
- تلگرام شماره ۳۴۳۷ مؤرخ ۶ نومبر ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور خارجه، لندن.
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۴۹ مؤرخ ۲۳ دسمبر ۱۹۲۹ پشاور L/P&S/10/13010.

- پاولادا، لیون، اصلاحات و انقلابات 1929، مترجم، باقی یوسفزی، چاپ پشاور، سال 1989.
- اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب شماره ۲۷۸۸ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی . L/P&S/10/1301.
- اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب شماره ۴۴۰، مؤرخ ۲۷ نومبر ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنٹ وزیرستان .
L/P&S/10/1301
- پروفیسور سید سعدالدین ہاشمی، چہرہ استبداد کبیر. آریانی برونمرزی سال نہم (۱۳۸۶).

(پایان)